

## بررسی مفاهیم اساسی نظریه ی کلاین در روانشناسی

شهرزاد مطلق غلامزاده (نویسنده مسئول)

۱. ابواب جمعی اداره آموزش و پرورش گله دار، کارشناس ارشد رشته روانشناسی، گروه علوم تربیتی، ایران  
alialamarvdasht@gmail.com

### چکیده

سابقه و هدف: هدف اصلی این پژوهش بررسی مفاهیم اساسی نظریه ی کلاین در روانشناسی بود. بدیهی است برای آنکه کودک به نحو احسن رشد کند احتیاج به محرکات طبیعی دارد و هر قدر شرایط محیطی از نظر ایجاد محرک نامناسب تر باشد کودک رشد کمتری خواهد داشت.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش روانشناسی به مطالعه ویژگی های دوره کودکی یعنی زمان تولد تا پایان زندگی (پیری - مرگ) می پردازد. روان شناسان، روش ها و فنون متفاوتی را برای مطالعه رشد انسان به کار می گیرند. پژوهشگران از روش های علمی برای جمع آوری و تحلیل سامان مند اطلاعاتی که قابل نتیجه گیری باشند، بهره می گیرند. فرایندی است که از رویه ها و اصول مشخصی برای یافتن پاسخ سوالات استفاده می کند.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که انسانها در ویژگیهای ظاهری، شباهتها و تفاوتی با یکدیگر دارند که به وسیله وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. این حقیقت، یکی از بزرگترین نشانه های آگاهی و قدرت پروردگار جهان است که میلیاردها آفریده ی او درعین داشتن اختلاف های رفتاری و دیگر ویژگیها، شباهتهای گوناگونی دارند که در قالب نژاد، ملیت، خویشاوند و خانواده تجلی می یابد.

واژه های کلیدی: احساسات، روانشناسی، ویژگیها، نظریه های یادگیری، نظریه ی کلاین.

## مقدمه

با اینکه هنوز اختلافات بسیاری بر سر اینکه کدام عامل تاثیر بیشتری بر رشد فرد دارد، در میان است، اما همه متخصصین بر این توافق هستند که تربیت والدین نقش بسیار مهمی بر رشد دارد [۱]. وقتی والدین بفهمند که فرزندشان چه واکنشی به موقعیت‌های خاص دارند، می‌توانند مسائلی که ممکن است برای فرزندشان مشکل‌ساز باشد را پیش‌بینی کنند. آنها می‌توانند فرزندشان را برای آن موقعیت آماده کرده و در بعضی موارد، از بوجود آمدن یک موقعیت سخت جلوگیری به عمل آورند. والدینی که می‌دانند چطور باید رویکرد تربیتی خود را نسبت به فرزندشان تطبیق دهند، می‌توانند بهترین راهنمایی‌ها را برای او فراهم کرده و رشد موفقیت‌آمیز شخصیت فرزندشان را تضمین کنند [۲].

## مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید، یعنی مطالعه با بهره‌گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و کتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته‌ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

## مبانی نظری

مفاهیم اساسی نظریه‌ی کلاین:

## ۱- تکنیک بازی

در ادامه‌ی جنگ جهانی اول، کلاین، تکنیک بازی درمانی را گسترش داد. که امروزه در تمام دنیا بکار می‌رود. چون کودکان قادر به درک و انجام عمل تداعی آزاد نبودند، بعنوان جانشینی برای این مفهوم، کلاین تکنیک بازی درمانی را برای آشکار کردن انگیزه‌های نا هوشیار کودکان ابداع کرد. او باور داشت که کودکان طی بازیها و نقاشی‌هایی که در جلسات درمان نشان می‌دهند، در واقع احساسات خود را بروز می‌دهند. او نشان داد که راه و مسیر بازی کودکان با اسباب بازی‌ها آشکار کننده‌ی اضطراب‌ها و تخیلات دوران ابتدایی و نوزادی آنهاست. افکار نا هوشیار کودکان باید بوسیله‌ی تحلیل رفتار غیر کلامی‌شان فهمیده شود [۳]. در طی روند درمان او نشان می‌داد که چگونه این اضطراب‌ها بر رشد ایگو، سوپرایگو و نگرش آنها به جنسیتشان تاثیر می‌گذارد و آنها را مستعد بیمار شدن در آینده می‌کند [۴].

بواسطه‌ی روش‌های درمانی او، کودکان در طی جلسات درمان احساسات ادیپی، عقده‌های پرخاشگرانه و... را که بخاطر احساس گناه نمی‌توانستند بطور مستقیم بیان کنند، بطور غیر مستقیم به درمانگر نشان می‌دادند، که این مساله بشدت مخالفت آنها فروید را برانگیخت چرا که او معتقد بود کودکان غیر قابل روان تحلیل‌گری اند [۵].

## ۲- موضع افسردگی

در مورد افسردگی موضع وسیعی دارد. بنا به نظریه‌ی کلاین، ممکن است موضوعی مثل مادر، زمانی مورد نفرت و زمانی مورد عشق قرار گیرد. افسردگی زمانی اتفاق می‌افتد که مادر همه‌ی دنیای کودک بشود. این امر باعث می‌شود که کودک بدلیل احساس گناه اجازه پیدا نکند که احساسات منفی و پرخاشگرانه‌ی خود را به بیرون بریزد چرا که بیرون از خودش فقط مادرش وجود دارد. مادر مقدس است و لذا همه ناراحتی‌ها و تکانه‌های بد و منفی را به درون خود می‌ریزد که این امر منجر به ایجاد افسردگی در کودک می‌شود [۶].

## ۳-رابطه موضوعی

در کنار فروید، کلاین هم نقش موثری درباره ی آنچه امروزه، رابطه ی موضوعی می نامیم ایفا کرده است. در ابتدا فروید ایده ی موضوع را مطرح کرد که اشاره به ابتدایی ترین روابط کودکان با مراقبان اولیه شان داشت. این افراد در واقع موضوع نیازها و خواسته های کودکان بودند، که این روابط باعث درونی شدن نیازهای ذهنی آنان شد [۷].

## ۴-جنسیت

مطابق با نظر کلاین، هم خلاقیت های هنری و هم تفریحات جسمی و ورزشی هر دو برای بشر عرصه ای برای رقابت بین خیر و شر، نفرت و عشق است. بنظر می رسد که زنان و مردان عمیقاً در تلاشی که تواناییها ی خود را برای ابراز نفرت و عشق به تعادل برسانند، موضوع عشق خود را زنده نگاه دارند، و احساسات درونی خود را درباره خوبی و جاودانگی به درستی هدایت کنند [۸]. کلاین آمیزش جنسی را به عنوان یک صحنه ی فوق دراماتیک مد نظر قرار داد که در آن هر یک بر دیگری تاثیر میگذارد و اساس وجوده ی ذاتی هر کس در این رابطه آشکار می شود. توانایی برانگیختن و به آرامش رساندن طرف مقابل، در واقع مساله ای است که بین دو طرف به رقابت گذاشته می شود استعدادها و ظرفیت های آنها را به چالش می کشد. برای اینکه به طرف مقابل لذت داده شود، باید عشق شخص از نفرتش بیشتر باشد [۹].

## ۵-تقابل با فروید

کارهای کلاین با فروید منجر به رشد ایده ها و نظریاتی شد که همیشه و بطور کامل با خط مشی فروید همسان نبود. کلاین بیان می کرد که رشد سوپر ایگو در نوزادی آغاز می شود، او همچنین معتقد بود که تمایلات پرخاشگری و ترس در هخمین سالهای ابتدایی عمر آغاز می شود که بعد ها نقش مهمی را در طی رشد در مورد مفاهیمی مثل جنسیت و شخصیت و یا هویت بعهد می گیرد. نپذیرفتن نظریات فروید بحث ها و مجادله های فراوان را برانگیخت که نهایتاً منجر به جداسدن کلاین از جامعه ی روانشناسان انگلیس و تاسیس گروه پروان کلاین شد [۱۰].

## ۶-غبطه

مفهوم غبطه ی کلاین زمانی به بهترین وجه فهمیده می شود که آن را با حسادت مقایسه کنیم. نوزادان آنگونه که کلاین اظهار می دارد، مخلوقات به شدت نیاز مندی هستند، آنها به پستان مادر بعنوان منبعی برای تغذیه، آرامش و محبت نیاز و وابستگی شدید دارند. به نظر کلاین کودکان سینه ی مادر را بسیار پر قدرت و فوق العاده قوی تصور می کنند. در تمام لحظات ناراحتی و تردید، نوزاد سینه ی مادر را به عنوان منبع مرموز ذخیره ی ماده ای می داند بنام شیر که باعث آرامش و دلگرمی نوزاد است و به او نوید قدرت و آرامش می دهد [۱۱].

## ۷-پروان

وینی کات جزء روان تحلیلگران ادامه دهنده ی راه کلاین است و جان دیور از کسانی است که به افکار کلاین نظم بخشیده است این عقیده را که سلامت روانی در سال اول زندگی نوزاد نقش مهم تری را نسبت به سالهای دیگر دارد توسط یکی از کلاین گراها بنام وینی کات مطرح شد. البته این نظر توسط فروید و دخترش زمانی که از ترس نازی ها به اطریش پناهنده شدند قدری منحرف شد. در این زمان جامعه ی روانشناسان انگلیس بدلیل رقابت بین ایده های افراطی فروید و افکار و نظریات کلاین کم کم تهدید به شکافته شدن و ۲ نیمه شدن می شد که با پایان یافتن جنگ جهانی دوم این جامعه عملاً مدرسه ای با ۳ دیدگاه را تاسیس کرد، فروید گراها، کلاین گراها و گروهی که توسط وینی کات تشکیل شد و موضعی میانه رو داشت [۱۲].

## نکات دیگر دیدگاه کلاین

## ۱-بهنجاری و دیدگاه کلاین

کلاین که به بررسی عمیق ترین و زودرس ترین سازمان یافتگی های روانی کودک پرداخته، به توصیف مرحله ی (روان گسسته-پارانویا گونه) در خلال تحول دست یافته است و بر این باور است که در جریان آن مرحله، خیالبافها و مکانیزمها دفاعی ایکه علیه اضطراب ناشی از آنها به کار می افتند با آنچه در بیماران روان گسسته مشاهده می شود، کاملاً مشابهند. روان آزردهی

کودک نیز راهی برای رهایی از اضطرابهای ابتدایی است [۱۳]. بنا بر این در اینجابهیچگونه تمایز کیفی بنیادی بین تحول بهنجار و تحول مرضی وجود ندارد و تنها تفاوت کمی آنها را از هم جدا می کند بنا بر این، نمیتوان تنها با توجه به ساخت روانی کودک، به متمایز کردن بهنجار و مرضی دست یافت؛ چرا که استفاده از اصطلاحات مرضی (وهله ی روان گسیخته- پارانوایگونه، دفاع آشفته وار، موضع افسرده وار)، به منظور بیان مراحل بهنجار تحول کودک نشان می دهد که پذیرفتن انحصاری مرجع ساختاری به منظور مجزا کردن بهنجار و مرضی تا چه حد نارساست [۱۴].

### ۲- کلاین و هراس های ابتدایی

به نظر کلاین در هراس های ابتدایی، هیچگونه فرایند روانی (ذهنی سازی) یا تجسم و تدارک رمزی دیده نمی شود؛ به عنوان مثال (غریبه خطرناک است) چون (مادر نیست). به عبارت دیگر هراس های ابتدایی با ناتوانی کودک در ذهنی سازی اضطراب مطابقت دارند و واکنشهای استیصال و (بیمارستان زدگی) که می توانند زندگی کودک شیرخوار را به خطر بیندازند، نشان می دهند که کودک تا چه اندازه فاقد تجهیزات رشد یافته ی ضروری برای ذهنی سازی و به رمز در آوردن اضطراب است [۱۵].

### ۳- کلاین و اضطراب

کلاین نظریه ی خود را درباره ی اضطراب به صورتی کاملا مستقل از نظریه ی فروید بنا کرده است و اغلب در آثارش بر تفاوت های بنیادی که موضع گیری وی را از موضع گیری فروید متمایز می کنند، تاکید کرده است. وی معتقد است که تعارض بین کشاننده ی زندگی و کشاننده ی مرگ، انسان را از بدو تولد در معرض اضطراب قرار می دهد. بنا بر این از دیدگاه کلاین برای درک اضطراب باید به غریزه ی مرگ یعنی مفهوم پرخاشگری متوسل شد. [۱۶] او در حالیکه فروید آشکارا مفهومی را که بر اساس آن ترس از مرگ تشکیل دهنده ی اضطرابی نخستین است، مردود می شمارد و بر این باور است که چنین تری اکتسابی است و دید تر آشکار می شود، کلاین اظهار می دارد که بر پایه ی مشاهدات تحلیلی خود، توانسته است به این نکته دست یابد که ترس از دست دادن زندگی در ناهوشیار وجود دارد و ترس به منزله ی واکنشی نسبت به غریزه ی مرگ است. بدین ترتیب، وی خطری را که از فعالیت درونی غریزه ی منرگ بوجود می آید نخستین علت اضطراب می داند [۱۷].

بطور کلی از دیدگاه کلاین نیروهای درونی مبتنی بر غریزه ی مرگ و پرخاشگری بزرگترین خطرانی هستند که ارگانیزم را از آغاز تولد تهدید می کنند. و چون بهنگام جدایی از مادر این نیروها آزاد می شوند، بنابراین، می توان اضطراب جدایی را به منزله ی واکنشی در برابر ویرانگری درونی تلقی کرد [۱۸].

با در نظر گرفتن تمایزی که فروید بین اضطراب عینی (اضطراب ناشی از خطر شناخته شده ی برونی) و اضطراب نوروژی (اضطرابی که از یک خطرناشناخته ی درونی بر می خیزد) قائل می شود، کلاین می گوید که این دو نوع اضطراب در ترسی که کودک به مناسبت (از دست دادن مادر) احساس می کند مشارکت دارند. و بدین ترتیب اضطراب عینی را مولود (وابستگی کامل کودک به مادر به منظور ارضای نیازها و تنش هایش) می داند و اضطراب نوروژی را ناشی از (تصورات کودک در مورد ویران ساختن مادر بوسیله ی برانگیختگی های آزار گرانه یا خطر چنین تخریبی) تلقی می کند، تصوراتی که این احساس ترس را ایجاد می کنند که (مادر هرگز باز نخواهد گشت) [۱۹].

آنچه بخصوص موضع کلاین را از موضع فروید متمایز می کند این است که کودک شیرخوار هیچ موقعیت مخاطره آمیزی را که دارای علل برونی است، به عنوان خطری که فقط برونی و شناخته شده است، احساس نمی کند. به عبارت دیگر، هر دو منبع اضطراب از آغاز وجود دارند و پیوسته بر یکدیگر اثر می گذارند و (حتی اگر موضوعهایی که مولد اضطراب هستند، برونی تلقی می شوند، بر اساس (درون فکنی)، به صورت ویرانگرهایی درونی در می آیند و ترس از تخریب درونی را تقویت می کنند). [۲۰] در مورد تبیین هراس نیز این مولف دیدگاه فروید را نمی پذیرد و هراس را چیزی بیش از یک (ترس تغییر یافته ی اختگی) می داند؛ و از آنجا که شکل گیری (فرامن) را زودرس میپندارد، بر اساس تحلیل کودکان خردسال نشان می دهد که ترس از بلعیده شدن توسط فرامن، ابتدایی تر از ترس از اختگی است که با مراحل بالاتر تحول مطابقت دارد. بنابراین از دیدگاه کلاین، هراس به منزله ی تغییر شکل یک اضطراب است که به زودرس ترین مراحل تحول اختصاص دارد [۲۱].

## ۴-کلاین و اصطلاح (بازی درمانگری)

کلاین، اصطلاح (بازی درمانگری) را بمنظور توصیف یک فرایند درمانگری که بازی کودک را معادل همخوانی آزاد تلقی می کند، بکار برده است و عقیده دارد که کودک، خیال پردازیه، امیال و تجربه های کنونی خود را به گونه ای رمزی در بازیهای خویشتن بیان می کند، چرا که بازی مهمترین شیوه ی بیان اوست و عناصری که در آن آشکار می شوند مشابه عناصری هستند که در خواب دیده های بزرگسالان مشاهده می گردند و بنا بر این می توان در خلال فرایند تحلیل گری کودکان خردسال به تفسیر این داده ها پرداخت. همچنین کلاین وجود روان آزردهگی انتقال را در خلال تحلیل گری کودکان می پذیرد [۱].

## ۵-کلاین و نشانه های دفاعی علیه افسردگی

پاره ای از رفتارها مستقیماً در طیف رفتارهایی قرار میگیرند که کلاین آنها را دفع آشفته وار می نامد؛ رفتارهایی که به منظور انکار هر حالت افسرده وار یا برای غلبه بر آنها بروز میکنند. در این زمینه میتوان با نا آرامیها و پرجنب و جوشیهایی که ممکن است به شکل ناپایداریهای واقعی حرکت روانی همراه با پر حرفی درآیند و بطور مستقیم گریز آشفته وار افکار را نشان دهند، اشاره کرد [۲].

## کلاین و شکل گیری اختلال های دو قطبی در خلال تحول

کلاین بر این باور است که در زیربنای حالت وجد دوره ی اول کودکی، مکانیزمهای پیچیده ای که به اضطرابی عمیق پوشش می دهند، قرار دارد. به عبارت دیگر حالت وجد آنها به عنوان یک مکانیزم دفاعی آشفته وار در برابر افسردگی است؛ دفاعی که علیه یک خطر درونی تهدید کننده ی من به راه می افتد و در کشاننده ی مرگ، پایگاه بن و (موضوعهای بد) درون فکنی شده ریشه دارد [۳].

## ۸-کلاین و اختلال وقفه یا بازداری

کلاین توجه خود را به بازداری عقلی و پیامدهای آن در کودک خردسال معطوف کرده است. وی دیدگاههای فروید درباره ی ارزش رمزی فعالیت های عقلی کودکان را می پذیرد اما چون عقیده دارد که تعارض اودیپی در سنین پایین تر بروز می کند، بازداری نخستین کنشهای ابزاری مانند بازداری در بازیهای حرکتی را نیز بر اساس همان اصل دفاعی که علیه امیال اودیپی به راه می افتد، تفسیر می نماید و بر پیامدهای دراز مدتی که بازداری در بازی و گفتار می تواند بر ظرفیت تحصیلی و تحول کنجکاو عقلی کودک داشته باشد، تاکید می کند [۴]. کلاین رابطه ای جالب بین آنچه (آزارگری) کودک می نامد و کشاننده ی (علم دوستی) یا میل به دانستن برقرار می سازد: (هر اضطراب مفرط ناشی از تخریب بخشی از بدن مادر، به بازداری استعداد به دست آوردن فکری واضح درباره ی محتوای آن منتهی می شود). این مولف اکتشاف دنیای برونی را با اکتشاف بدن مادر - که کودک به واریسی توحید یافتگی آن می پردازد - یکسان می داند. در کودک نوعی آزارگری که ناشی از میل به تخریب و تصاحب بخشهای درونی بدن مادر است، وجود دارد. این عضوهای درونی به منزله ی تکیه گاهی برای یک جابجایی رمزی هستند و سپس امکان اکتشاف موضوع های دنیای برونی را فراهم می آورند. بازداری، یک دفاع زودرس علیه اضطرابی است که بنوبه ی خود، بر اساس این آزارگری برانگیخته شده است [۵].

## مفاهیم بنیادی در نظریه کلاین

برای آشنایی بیشتر با دیدگاه های ملانی کلاین، شناخت مفاهیم بنیادی ضروری است که اینک آن را بررسی می کنیم:

مفهوم غریزه:

فرضیه کلاین خود، بر اساس نظریه ی غریزی فروید استوار است، که در این رابطه « غریزه مرگ » به عنوان پایه اصلی این نگرش است. غریزه مرگ به صورت ترس از مرگ (شکست) بیان می شود و به عبارتی نوعی ترس از مورد آزار قرار گرفتن یا نابود شدن است. ترس از تکانه های تخریبی که در درون خود اوست. منبع اصلی اضطراب نوزاد در اینجا از عملکرد غریزه مرگ سر چشمه می گیرد، مفهومی که کلاین با فروید در آن شریک بود [۶].

- مفهوم ابژه :

کلاین نظریه فروید در مورد ابژه را تغییر داد، در مورد سائق ها اساساً بدون ابژه هستند چراکه ارضاء بدوی است و چندان تفاوت نمی کند که ابژه ی ویژه یا مخصوص آن چه باشد. اما از نظر کلاین سائق ها مستقیماً به طرف ابژه ها متمایلند. برای مثال نوزاد شیر را از سینه مادر طلب می کند و این امر فقط احساس لذت بردن در فرایند خوردن نیست. کلاین نظریه فروید در باره غرایز بدون ابژه را مورد انتقاد قرار داد چراکه به نظر او هر خواسته یا غریزه به یک ابژه متصل است [۷].

- مفهوم رابطه:

میل و ارضا تنها در « رابطه » معنی پیدا می کند. در فقدان رابطه هیچ چیز دارای معنی نیست. شخص در رابطه با دیگری (ابژه) آرزو یا خواسته ای دارد. این ابژه می خواهد شخص، حیوان، شیء یا حتی چیزی در درون خود شخص باشد. (ابژه درونی شده) [۸]

- خیال پردازی (فانتزی):

زندگی درونی نوزاد را یک دنیای سراسر فانتزی در بر گرفته است. شکلی از فعالیت ذهنی که از آغاز تولد وجود دارد، در این دنیای ذهنی، فانتزی ها به عنوان جنبه هایی تصویری از غرایز جسمی و امیال، پاسخ های فعال نوزاد به صورت سائق ها و احساسات همراه می شوند. بدین ترتیب که گرسنگی شیرخوار، موقتاً با احساس درک سینه مادر و طعم شیر در دهان او، کنترل شده و فروکش می نماید. تجارب شیرخوار از این دنیای خیالی هم بدنی (جسمی) است و هم ذهنی، در ابتدا این فانتزی ها و ابژه های درونی شده به نظر او کاملاً شفاف و واقعی می رسند. به طوری که نوزاد قادر نیست فرقی بین واقعیت و دنیای خیالی خودش قائل شود، گرچه هر ناراحتی و ناکامی او در رسیدن به سینه مادر به مثابه یک حمله شخصی به او تلقی می شود. در این مواقع شیرخوار با تقلید صدای مکیدن و با مکیدن انگشت خود رؤیای احساس مکیدن سینه واقعی را تجربه می کند [۹].

ملانی کلاین در نظریه اش به روابط شیء درونی پرداخت که پیوند نزدیک با سائق ها دارد. دیدگاه خاص او عمدتاً از کار روانکاو بر روی کودکان، زمانی که وی تحت تأثیر نقش ناخودآگاه در تخیلات درون روانی آنان قرار گرفت پدیدآمد [۱۰].

فرضیات نظریه کلاین:

کلاین بازی را به عنوان نحوه ی بیان طبیعی و مرجع بر روش های دیگر در مورد کودک به کار می بندد او در زمان خود تنها کسی نیست که به این فکر دست یافته است. برای شکل دادن به مفاهیم اولیه نظریه خود به نظریه پردازی در باره آنچه بین او و کودک می گذرد دست می زند و بازی را در جریان درمان به منزله معادل، همخوانی های کلامی یا تداعی هایی که بزرگسال در تحلیل به دست می دهد در نظر می گیرد. چنین درکی از معنای بازی در کودک، امروزه امری مورد قبول است اما در زمان کلاین میدان جدیدی برای اکتشاف زمینه روانی کودک می گشود [۱۱].

### بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که رشد انسان در طول زندگی، از شکل گیری نطفه تا مرگ، را توصیف می کند. مطالعه علمی رشد انسان، به دنبال درک و تشریح چگونگی و چرایی تغییراتی است که افراد در طول زندگیشان می کنند. این مطالعه، تمام جنبه های رشد انسان، شامل رشد جسمی، هیجانی، ذهنی، اجتماعی، ادراکی و شخصیتی را در برمی گیرد. مطالعه علمی رشد، نه تنها برای روان شناسی بلکه برای جامعه شناسی، آموزش و بهداشت نیز اهمیت دارد. منظور از رشد، تنها جنبه های جسمی و فیزیولوژیکی آن نیست بلکه جنبه های شناختی و اجتماعی مرتبط با آن نیز می باشد. مطالعه رشد انسان برای تعدادی از رشته ها از جمله زیست شناسی، انسان شناسی، آموزش، تاریخ و روان شناسی اهمیت دارد. البته از همه مهم تر، کاربردهای عملی مطالعه رشد انسان است. با درک بهتر این که افراد چرا و چگونه رشد و تغییر می کنند، می توان این دانش را برای کمک به آن ها در زمینه به کارگیری تمام توانائی های بالقوه شان در زندگی، به کار بست.

این مطالعه نشان داد که فرد طی دو سال اول زندگی وارد اولین مرحله می‌شود: یادگیری اعتماد و عدم اعتماد پایه (امید). اگر از نوزاد به خوبی مراقبت شده و مورد محبت والدین قرار گیرد، اعتماد، امنیت و خوشبینی پایه در وی شکل می‌گیرد. اما اگر مراقبت خوبی از نوزاد انجام نگیرد، نوزاد دچار حس ناامنی شده و «بی‌اعتمادی پایه» در وی ایجاد می‌شود.

**منابع و مأخذ**

- [۱] باقری، خسرو و خسروی، زهره؛ (۱۳۸۷) نظریه‌های روان‌شناسی معاصر (به سوی سازه‌گرایی واقع‌گرایانه)، تهران، علم، چاپ اول،
- [۲] باولر، پیتر، چارلز داروین و میراث او، ترجمه حسن افشار، (۱۳۸۰) نشر مرکز، چاپ اول
- [۳] برادبری، تراویس و جین گریوز، EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است، ترجمه هادی ابراهیمی، (۱۳۸۷) تهران، نسل نو اندیش
- [۴] برادبری، تراویس و جین گریوز، آزمون هوش هیجانی، ترجمه مهدی گنجی (۱۳۸۴)، تهران، ساوالان.
- [۵] براهنی، محمدتقی و همکاران، (۱۳۸۳) زمینه روان‌شناسی، چ دهم، تهران، رشد، ج ۱.
- [۶] برک، لورای؛ روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، جلد اول؛ ترجمه یحیی سید محمدی، (۱۳۸۴) چاپ پنجم، نشر ارسباران
- [۷] برمک، م. (۱۳۸۶). بررسی اثر بخشی آموزش راهبردهای فراشناختی بر خودکارآمدی عمومی دانش آموزان پسر سال دوم دبیرستان های شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۸] بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ وایروانی، محمد؛ (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی؛ مجله روانشناسی شماره ۱۹، ص ۳۳-۴۵
- [۹] بنیامین؛ جمیز؛ خلاصه روانپزشکی؛ ترجمه پورافکاری، نصرت‌اله؛ جلد اول؛ انتشارات شهرآب؛ ۱۳۸۴
- [۱۰] بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۷) روان‌شناسی نوجوانان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- [۱۱] بی‌ریا، ناصر و دیگران، (۱۳۷۵) روان‌شناسی رشد (۲): با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ج ۲
- [۱۲] پارسا، محمد (۱۳۷۲)؛ روان‌شناسی یادگیری (بر بنیاد نظریه‌ها)، تهران، بعثت، چاپ دوم،
- [۱۳] پارسا، محمد؛ (۱۳۸۲)، بنیادهای روان‌شناسی، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم
- [۱۴] پارسا، نسرين (۱۳۸۰) هوش هیجانی، چ سوم، تهران، رشد،
- [۱۵] پاول هنری ماسن...، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، (۱۳۸۰) تهران، نشر مرکز، کتاب ماد
- [۱۶] پاول هنری ماسن و دیگران، رشد و شخصیت کودک، مترجم مهشید یاسایی، (۱۳۷۳) تهران، انتشارات سعدی، چاپ هفتم،
- [۱۷] پروچسکا، جمیزاو، نورکراس، جان سی، (۱۳۸۵)، **نظریه‌های روان‌درمانی**، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات رشد.
- [۱۸] پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۵) فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، چ پنجم، تهران، رشد، ج ۱،
- [۱۹] جان لاک (۱۳۷۷ش) نامه ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، نشر نی، تهران،
- [۲۰] جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۰) نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
- [۲۱] جلالی، مهدی. (۱۳۵۲). روانشناسی کودک. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر